

آیا فاطمه (سلام الله علیها) از تنبیه راضی نند؟

طرح شبهه :

بر فرض که قبول کنیم، فاطمه رضی الله عنها در مقطعی از شیخین دلگیر شده باشد؛ ولی این مطلب نیز ثابت است که شیخین در آخرین روزهای حیات فاطمه آمدند و از وی رضایت گرفتند؛ چنانچه بیهقی و دیگران نقل کرده اند:

عن الشعبي قال لما مرضت فاطمة أتاها أبو بكر الصديق فاستئذن عليها فقال علي يا فاطمة هذا أبو بكر يستئذن عليك فقالت أتحب أن أذن؟ قال نعم فأذنت له فدخل عليها يترضاها وقال والله ما تركت الدار والمال والأهل والعشيرة إلا لإبتغاء مرضاة الله ومرضاة رسوله ومرضاتكم أهل البيت ثم ترضاها حتى رضيت.

هنگامی که فاطمه بیمار شد ابوبکر برای کسب رضایت نزد وی آمد و اجازه خواست تا او را ملاقات کند، علی به فاطمه فرمود: ابوبکر برای ملاقات اجازه می خواهد فاطمه فرمود: آیا شما دوست دارید وارد شود؟ علی فرمود: آری، پس فاطمه اجازه داد، ابوبکر وارد شد و جویای کسب رضایت فاطمه بود، ابوبکر گفت: به خدا سوگند خانه و زندگی و مال و ثروتم و خویشانم را ترک نکردم؛ مگر برای به دست آوردن رضایت و خوشنودی خدا و رسول و شما خاندان پیغمبر، پس فاطمه از وی راضی شد.

البیهقی، احمد بن الحسین (متوفای ۴۵۸هـ) دلائل النبوة، ج ۷، ص ۳۸۱؛

البیهقی، احمد بن الحسین (متوفای ۴۵۸هـ) الاعتقاد والهدایة إلی سبیل الرشاد علی مذهب السلف وأصحاب الحدیث، ج ۱، ص ۳۵۴، تحقیق: أحمد عصام الکاتب، ناشر: دار الآفاق الجديدة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۱هـ.

نقد و بررسی :

عدم رضایت صدیقه شهیده سلام الله علیها از شیخین، اصل و اساس مشروعیت خلافت آن ها را زیر سؤال می برد؛ چرا که ثابت می کند تنها یادگار رسول خدا، برترین بانوی دو عالم، سیده زنان اهل بهشت با خلافت ابوبکر و عمر مخالف و از دست آن ها ناراضی و خشمگین بوده است و طبق روایات صحیح السندی که در صحیح ترین کتاب های اهل سنت آمده است، رضایت فاطمه رضایت رسول خدا و خشم او خشم رسول خدا است.

از این رو عالمان اهل سنت دست به کار شده و روایتی را جعل کرده اند تا ثابت کنند که شیخین پس از آن که دختر رسول خدا را به خشم آوردند، در واپسین روزهای زندگی آن حضرت به عیادت ایشان رفته و از او درخواست رضایت کردند و فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز از آن ها راضی شد!

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: سند روایت مرسل است؛ چرا که شعبی از تابعین است و خود شاهد ماجرا نبوده و این روایت همان اشکالی را دارد که اهل سنت به روایت بلاذری و طبری می کردند.

ثانیاً: بر فرض این که مرسلات تابعی مورد قبول باشد، باز هم نمی توان روایت شعبی را پذیرفت؛ زیرا شعبی از دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام و ناصبی بوده است؛ چنانچه بلاذری و ابوحامد غزالی به نقل از خود شعبی می نویسند :

عن مجالد عن الشعبي قال: قدمنا علي الحجاج البصرة، وقدم عليه قراء من المدينة من أبناء المهاجرين والأنصار، فيهم أبو سلمة بن عبد الرحمن بن عوف رضي الله عنه... وجعل الحجاج يذاكرهم ويسألهم إذ ذكر علي بن أبي طالب فقال منه ولنا مقاربة له وفرقاً منه ومن شره....

در شهر بصره همراه عده ای بر حجاج وارد شدیم گروهی از قاریان مدینه از فرزندان مهاجر و انصار که ابوسلمه بن عبد الرحمن بن عوف نیز در جمع آنان بود، حضور داشتند. حجاج با آنان مشغول گفتگو بود یادی از علی بن ابوطالب کرد و از او بدگویی نمود و ما نیز به خاطر رضایت حجاج و در امان ماندن از شر او از علی بدگویی کردیم

البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفاي ۲۷۹هـ) أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۳۱۵؛

الغزالي، محمد بن محمد أبو حامد (متوفاي ۵۰۵هـ)، إحياء علوم الدين، ج ۲، ص ۳۴۶، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

آیا روایت يك ناصبي مي تواند براي ما حجت باشد ؟

نارضايتی فاطمه (سلام الله عليها) از ابوبکر در صحيح ترين کتاب های اهل سنت

ثانياً : غضب فاطمه سلام الله عليها بر ابوبکر از آفتاب روشن تر و غير قابل انکار است . بخاری در صحيح ترين کتاب اهل سنت از تداوم غضب و قهر فاطمه سلام الله عليها بر ابوبکر ، سخن گفته است .
در کتاب أبواب الخمس ، مي نويسد :

فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوقِّتَ.

فاطمه دختر رسول خدا از ابوبکر ناراحت و از وی روی گردان شد و اين ناراحتی ادامه داشت تا از دنيا رفت.

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفاي ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۳، ص ۱۱۲۶، ح ۳۹۲۶، باب قَرْضُ الْخُمْسِ، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

در کتاب المغازی ، باب غزوة خيبر ، حديث 3998 می گوید :

قَوَّحَدَتْ فَاطِمَةُ عَلِيَّ أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُوقِّتَ

فاطمه بر ابوبکر غضب کرد وبا وی سخن نگفت تا از دنيا رفت.

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفاي ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸، كتاب المغازي، باب غزوة خيبر، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

در کتاب الفرائض، بَاب قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) لَا نُورُثُ مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً حديث ۶۳۴۶ مي نويسد :

فَهَجَرَتْهُ فَاطِمَةُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى مَاتَتْ.

پس فاطمه از ابوبکر کناره گیری کرد وبا وی سخن نگفت تا از دنيا رفت .

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفاي ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۶، ص ۳۴۷۴، ح ۶۳۴۶، كتاب الفرائض، بَاب قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) لَا نُورُثُ مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

و در روایت ابن قتیبه آمده است که هنگامی که آن دو برای عیادت آمدند، فاطمه زهرا سلام الله عليها اجازه ورود نداد و ناچار شدند به امیرمؤمنان علی علیه السلام متوسل شوند و آن حضرت وساطت کرد، در پاسخ امیرمؤمنان علیه السلام فرمود :
البيت بيتك .

یعنی علی جان! خانه خانه تو است، تو مختاری هر کسی را که دوست داری اجازه ورود بدهی. امیر مؤمنان علیه السلام برای اتمام حجت و این که آن دو بعداً بهانه نیاورند که ما می خواستیم از فاطمه رضایت بگیریم ؛ ولی علی نگذاشت ، به آن دو اجازه ورود داد . هنگامی که آن دو عذرخواهی کردند، صدیقه طاهره نپذیرفت؛ بلکه از آن ها این چنین اعتراف گرفت:

نشدتكما الله ألم تسمعا رسول الله يقول «رضا فاطمة من رضي وفسخط فاطمة من فسخطي فمن أحب فاطمة ابنتي فقد أحبني ومن أ رضي فاطمة فقد أ رضاني ومن أفسخط فاطمة فقد أفسخطني»

شمارا به خدا سوگند می دهیم آیا شما دو نفر از رسول خدا نشنیدید که فرمود: خوشنودی فاطمه خوشنودی من، و ناراحتی او ناراحتی من است. هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خوشنود نماید مرا خوشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است؟.

هر دو نفرشان اعتراف کردند: آری ما از رسول خدا اینگونه شنیده ایم .

نعم سمعناه من رسول الله صلي الله عليه وسلم.

سپس صدیقه طاهره فرمود :

فإني أشهد الله وملائكته أنكما أسخطتماني وما أرضيتماني ولئن لقيت النبي لأشكونكما إليه.

پس من خدا و فرشتگان را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کرده اید و در ملاقات با پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد .

به این نیز بسنده نکرده و فرمود :

والله لأدعون الله عليك في كل صلاة أصلها.

به خدا قسم پس از هر نماز بر شما نفرین خواهم کرد.

الدينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفاي ۲۷۶هـ)، الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۷، باب كيف كانت بيعة علي رضي الله عنه، تحقيق: خليل المنصور، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م.

با این حال چگونه می توان باور کرد که صدیقه شهیده سلام الله علیها از آن دو راضی شده باشد؟ آیا روایت بخاری مقدم است یا روایت بیهقی؟ آن هم روایت شخصی که دشمن امیرمؤمنان علیه السلام محسوب می شده و خود نیز شاهد ماجرا نبوده است؟
ثالثاً: اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها از آن دو نفر راضی شده بود، چرا وصیت کرد که او را شبانه دفن کنند و هیچ یک از کسانی را که به وی ستم روا داشته اند، برای تشییع جنازه و نماز خبر نکنند؟
محمد بن اسماعیل بخاری می نویسد :

وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوَفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيُّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا

فاطمه پس از رسول خدا شش ماه زنده بود و چون از دنیا رفت همسرش علی شبانه او را دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد و خودش بر بدن فاطمه نماز خواند .

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفاي ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸، كتاب المغازي، باب غزوة خيبر، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

ابن قتيبة دينوری در تأویل مختلف الحديث می نویسد :

وقد طالبت فاطمة رضي الله عنها أبا بكر رضي الله عنه بميراث أبيها رسول الله صلي الله عليه وسلم فلما لم يعطها إياه حلفت لا تكلمه أبدا وأوصت أن تدفن ليلا ليلا يحضرها فدفت ليلا

فاطمه از ابوبکر میراث پدرش رسول خدا را درخواست نمود و چون ابوبکر سربچی کرد سوگند یاد کرد که دیگر با وی سخن نگوید و وصیت کرد شبانه او را دفن کنند تا ابوبکر در تشییعش شرکت نکند.

الدينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (متوفى ٢٧٦هـ)، تأويل مختلف الحديث، ج ١، ص ٣٠٠، تحقيق: محمد زهري النجار، ناشر: دار الجيل، بيروت، ١٣٩٣، ١٩٧٢.

و عبد الرزاق صنعاني می نویسد :

عن بن جريج وعمرو بن دينار أن حسن بن محمد أخبره أن فاطمة بنت النبي صلى الله عليه وسلم **دفنت بالليل قال فر بها علي من أبي بكر أن يصلي عليها كان بينهما شيء**

از حسن بن محمد نقل است که گفت: فاطمه دختر پیامبر شب دفن شد تا ابوبکر بر پیکرش نماز نخواند؛ زیرا کدورتی بین آن دو وجود داشت.

و در ادامه نیز می گوید :

عن بن عيينة عن عمرو بن دينار عن حسن بن محمد مثله الا أنه قال اوصته بذلك.

از حسن بن محمد نیز همانند روایت پیشین نقل شده است؛ الا این که در این روایت گفته شده: فاطمه بر دفن شبانه وصیت کرد.

الصنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام (متوفى ٢١١هـ)، المصنف، ج ٣، ص ٥٢١، ح ٦٥٥٤ و ح ٦٥٥٥، تحقيق حبيب الرحمن الأعظمي، ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ.

البته ممکن است که کسی بگوید: ابوبکر بعدا پشیمان شد و توبه کرد، در پاسخ باید گفت: توبه زمانی مفید و ارزشمند است که همراه با ندامتی بر خواسته از عمق وجود آدمی باشد. و از طرفی گذشته را هم جبران نماید به این معنی که شخص توبه کننده حقوق تزییع شده را؛ چه الهی باشد و چه مردمی تمام آن را جبران نماید.

حال پرسش ما این است که آیا ابوبکر فدک را به صدیقه طاهره بازگرداند تا توبه اش توبه نصح باشد و در نزد خداوند پذیرفته شود ؟

نتیجه :

خشم فاطمه از شیخین تا واپسین لحظات زندگی اش و عدم رضایت از آن دو، از مسائلی است که در صحیح ترین کتاب اهل سنت پس از قرآن وارد شده و روایت بیهقی که از آن استفاده کسب رضایت فاطمه شده است، به دلیل وجود يك ناصبي در سلسله سند آن، اعتبار ندارد.

گروه بیاسخ به تنبهاات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)